

کلمة الله هي العليا

(دختر فضل الله نعیمی حروفی)

بانویی انقلابی و گمنام از قرن نهم

معین الدین محرابی

کلمة الله هي العليا

نشر رویش

کلمة الله هي العليا دختر بنیاد کذار جنبش حروفیه
یعنی دختر فضل الله نعیمی است . وی چهره‌ای است
ناشناخته و گمنام که سال ۸۴۵ هجری قمری حروفیان
تبریز را پیشوائی نموده است .
کتاب حاضر مقدمه‌ای است جهت بررسی و شناخت
بیشتر کلمة الله هي العليا، و نیز سرآغازی است جهت
تحقیقات دامنه‌داری در خصوص زنان گمنام جامعه ایرانی .

نشر رویش

كلمةُ الله هي العليا

(دختر فضل الله نعيمی حروفی)

بانویی انقلابی وگمنام از قرن نهم

معین الدین محرابی

www.KetabFarsi.com

لطفاً پیش از مطالعه اصلاح فرمائید :
مفحه ۷۱ ، پاراگراف آخر : و اما در عهد امیر اسکندر که حکومتش تا سال ۸۳۹ هـ ق دوام یافت ،

www.KetabFarsi.com

کلمة الله هي العليا

(دختر فضل الله نعیمی ، بنیاد گذار جنبش حروفیه)

بانوئی انقلابی و گمنام از قرن نهم هجری

معین الدین محرابی

www.KetabFarsi.com

تقدیم به زنان میهنم

M. MEHRABI

POSTFACH 10 14 13

5000 KOLN 1

GERMANY

نشر رویش

آلمان - کلن

= کلمة الله هی العلیا ، بانوئی انقلابی و گمنام از قرن نهم

= محرابی ، معین الدین

= چاپ اول (نشر رویش)

= مرداد ۱۳۷۰ (آگوست ۱۹۹۱)

= چاپ و صحافی افق - کلن

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است

فهرست مندرجات

صفحه

عنوان

۹

پیشگفتار

بخش نخست : پیشوای جنبش حروفیه

۱۳

پیشوای جنبش حروفیه (فضل الله نعیمی)

۲۰

وصیت نامه فضل

۲۲

میراث فکری و ادبی فضل

۲۴

اعتقاد حروفیان به مهدی آخرین امام شیعی

۷۳	قیام حروفیان تبریز به پیشوائی کلمة الله هی العلیا
۷۶	اشعار منسوب به کلمة الله هی العلیا
۸۱	پانوشته‌های بخش سوم

۲۸	جانشینان فضل
۳۰	خانواده فضل
۳۳	پانوشته‌های بخش نخست

بخش چهارم : آثار و نوشته‌هایی که در آنها از کلمة الله هی العلیا یاد شده

۸۹	محرم نامه
۹۰	روضات الجنان و جنات الجنان
۹۴	مزارات اولیائی که در تبریز مدفونند
۹۶	احسن التواریخ
۹۷	روضه اطهار
۹۸	دانشمندان آذربایجان
۹۸	لغتنامه دهخدا
۹۹	الذریعه الی تصانیف الشیعه
۱۰۰	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم
۱۰۰	آغاز فرقه حروفیه
۱۰۲	تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی
۱۰۲	آثار باستانی آذربایجان

بخش دوم : حروفیان پس از فضل

۴۱	حروفیان پس از فضل
۴۲	مرگ تیمور
۴۲	کشته شدن میرانشاه پسر تیمور
۴۳	شادمانی حروفیان از کشته شدن میرانشاه
۴۹	سوء قصد نافرجام حروفیان به شاهرخ پسر تیمور
۵۱	کشته شدن عضالدین پسر کلمة الله هی العلیا
۵۵	پانوشته‌های بخش دوم

بخش سوم : کلمة الله هی العلیا

۶۵	کلمة الله هی العلیا
۶۵	کلمة الله هی العلیا جانشین فضل
۷۰	از شهادت فضل تا قیام کلمة الله هی العلیا

۱۰۳	کوی سرخاب تبریز و مقبرة الشعراء
۱۰۴	تاریخ جنبش سریداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان
۱۰۴	نمد پوشان
۱۰۵	جنبش حروفیه و نهضت پسیخانیاں
۱۰۶	حروفیان و بیداد تیموری
۱۰۷	پانوشته‌های بخش چهارم

کتابنامه

فهرست اعلام

۱۲۳	اسامی اشخاص
۱۲۸	اسامی کتب و نوشته‌ها
۱۳۱	اسامی اماکن
۱۳۳	اسامی اقوام و فرق

پیشگفتار

کلمة اللهی العلیا دختر بنیاد گذار جنبش حروفیه ، یعنی دختر فضل‌الله نعیمی است . وی چهره‌ای است ناشناخته و گمنام که بسال ۸۴۵ هجری قمری حروفیان تبریز را پیشوائی نموده است . کتاب حاضر مقدمه‌های است جهت بررسی و شناخت بیشتر کلمة اللهی العلیا ، و نیز سرآغازی است جهت تحقیقات دامنه - داری در خصوص زنان گمنام جامعه‌ی ایرانی . آنچه را که در این پیشگفتار بایستی بگوئیم آن است که ، تاکنون تحقیقات بسیار اندکی در خصوص حروفیان صورت گرفته ، و این تحقیقات را نیز علیرغم ایرانی - اسلامی بودن جنبش حروفی غالباً شرق شناسان خارجی (غربی) انجام داده‌اند . در کار شرق شناسان خارجی (بطور کلی) برخی اشکالات عمده و اساسی وجود دارد که دو وجه آنرا بر می‌شمریم :

الف : شرق شناسان خارجی علیرغم آشنا بودن به بسیاری از زیر و بم های کار تحقیقاتی خویش ، از آنجائی که آشنائی شان با فرهنگهای بیگانه (شرقی) همه جانبه نیست ، و یا بعبارت دیگر بر تمام زوایای فرهنگ شرقی محیط نیستند ، لاجرم نمیتوان کارهای پژوهشی‌ای را که آنان در خصوص ملیتها و مذاهب شرق انجام میدهند يك پژوهش جامع الاطراف قلمداد نمود .

ب: برخی از شرق شناسان خارجی تلاش بر آن دارند تا بهر صورت ممکن وقایع تاریخی - اجتماعی را در قالب‌هایی خاص و از پیش ساخته قرار داده ، به اثبات فرضیه‌های تاریخی - اجتماعی خویش بپردازند .

و شاهد سخن آنکه ، در جنبش حروفی علیرغم شیعی بودن این جنبش ، یکی از الحاد آنان سخن گفته است و دیگری از دینی جدید آوردن آنان . و فی الواقع هیچ يك آنچه را که بایستی ننموده‌اند .

نقش زنان در تاریخ ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست شرق شناسان و سیاحان خارجی آنچه را که خود خواسته‌اند از زنان جامعه ایران ترسیم نموده‌اند و ما نیز بحکم خارجی بودنشان بر گفته‌هایشان صحه گذارده‌ایم و در صحت اقوالشان نه تنها شکمی نکرده‌ایم که یکبار از خود نپرسیده‌ایم : راستی مگر نقش زنان در تاریخ اروپا و ... چه بوده است ؟

توضیح آنکه ، ستمی که در طول تاریخ بر زنان روا رفته ، ستمی است واحد ، با این ممیزه که در دوره‌هایی از تاریخ بنا بر شرایط جغرافیائی و اقتصادی ، و آن نیز همراه با تسلطی که ادیان و مذاهب ، و آداب و سنن محلی بر شئون فرهنگی داشته اند ، این ستم در شدت و ضعف بوده است .

بنا بر آنچه گذشت ، این مهم بر ما واجب می‌گردد که در خصوص تاریخ و فرهنگ و نحله‌های دینی شرق ، خود به تحقیق بپردازیم و خود راقم سطور خود باشیم . در غیر این صورت زبان حال خود را از بیگانگان خواهیم شنید و آنان چیزی جز آنچه خود هستیم بما خواهند نمود .

بخش نخست :

"پیشوای جنبش حروفیه"

پیش‌وای جنبش حروفیه

فضل‌الله نعیمی استرآبادی تبریزی (پدر کلمة‌الله‌هی‌العلیا و بنیاد‌گذار جنبش حروفیه) در سال ۷۴۰ هجری قمری در استرآباد دیده به جهان گشود و بسال ۷۹۶ هـ . ق در سن پنجاه و شش سالگی بفرمان تیمور و بدست میرانشاه پسر وی بقتل رسید . وی در سال ۷۸۸ هـ . ق به نشر عقاید جدید خویش که در واقع انشعابی بود در تفکر شیعی همت گمارد . وی با بیان اندیشه‌های جدید خویش روشنفکران بسیاری را به پیرامون گرد آورد .

تنها کتابی که زندگی فضل‌الله نعیمی را تا سنین چهل سالگی‌اش مورد توجه قرار داده ، کتابی است موسوم به " خوابنامه " تالیف نصرالله نافجی . نصرالله از جمله شاگردان فضل بوده و

کتاب خویش را نیز در سنی قریب به هشتاد نوشته است . نسخه‌ی خطی این کتاب در واتیکان موجود است . (واتیکان، نسخه‌های فارسی ۱۷، فهرست رسی، ص ۴۳)

هلموت ریتر (۱) در مقاله "آغاز فرقه حروفیه"، به نقل از کتاب خوابنامه، این بخش از زندگی فضل را دنبال نموده است و ما به اختصار به ذکر آن می‌پردازیم :

فضل الله نعیمی پسر قاضی القضاة استرآباد بود . هنوز به سنین رشد نرسیده بود که پدرش وفات یافت و مال و منالی چند از پدر بر وی بماند . روزی در بازار آوازی شنید که این بیت مولانا می‌خواند :

از مرگ چه اندیشی چون جان بقا داری
در گور کجا گنجی ، چون نور خدا داری

این بیت در وی کارگر افتاد و پیوسته در باره‌ی آن می‌اندیشید . پس به روزه داری و عبادت و انجام فرائض پرداخت و شب‌ها بیدار ماند و با ضمیری صافی به ذکر لا اله الا الله گذارند . در همین ایام رویاهای زیبایی نصیب حالش گردید و سرور و آرامش در وی پدید آمد .

چون به سنین ۱۸ و ۱۹ پای گذارد ، در خارج شهر جامه‌ی خویش با یکی از شبانه‌پیش عوض نمود و از استرآباد تا اصفهان پیاده راه سپرد . این پیاده روی دردی سخت را در بن رانش پدید آورد و بناچار چهار ماه در کاروانسرای بازار کارد سازان (چرخران) بیفتاد ، تا درد التیام یافت . فضل از آنجا به زیارت کعبه شتافت و در بازگشت از مکه ، به خوارزم رفت و چندی نیز در آنجا اقامت

گزید . سپس مصمم شد دوباره به زیارت کعبه بشتابد و راه کعبه پیش گرفت . چون به سمیرم رسید ، سرمای زمستان و برف شدید او را مجبور به توقف نمود . از اینروی در گوشه‌ای منزل گرفت و به مداومت در عزایم پرداخت و آنگاه پس از سه ماه به سفر خود ادامه داد .

چون دو سه روزی از پیمودن راه گذشت ، هشتمین امام را به خواب دید که وی را به خود می‌خواند . از اینروی فضل راه سفر در خراسان پیمود و چون به مشهد خراسان رسید چند روزی را به زیارت و مناجات گذراند و از آنجا به مکه و زیارت کعبه شتافت و دوباره به خوارزم بازگشت . در خوارزم بود که از راه تعبیر خواب که بر آن وقوفی کامل داشت ، چند تنی را به پیرامون گرد آورد و آنگاه به خراسان رفت . در آنجا نیز جمعی بر او حلقه بستند . سپس به اصفهان رفت و در مسجد طقچی (طخچی) فرود آمد (۲) .

در این مسجد است که وی موفق می‌شود بسیاری را به پیرامون خویش گرد آورد ، که از آنجمله نصرالله نافجی مؤلف " خوابنامه " است . و بقول هلموت ریتر ، توقف فضل در مسجد طقچی اهمیتی خاص در ترویج مرام او داشته است . فضل در مسجد طقچی با تعبیر خواب و نفوذ معنوی خویش ، مورد توجه عموم قرار گرفته ، خلقی بر او گرد می‌آیند . هلموت ریتر در بیان تعبیر خوابهائی که توسط فضل صورت گرفته ، چنین آورده :

" علتی ندارد که در صحت روایات نصرالله نافجی شك کنیم ، خاصه که شیوه‌ی بیان آنها مطابق سبک مرسوم در افسانه‌های خیالی مربوط به اولیاء (متصوفه) نیست . " (۳)

فضل تا اواسط سالهای میان سی و چهل به زندگانی زاهدانه

خویش ادامه داده و استعداد خوابگزاری را بنا بر آنچه در یکی از حواشی جاودان نامه نسخه کمبریج آمده ، از حدود سال ۷۶۵ (یعنی از ۲۵ سالگی) بدست آورده است .

بنا بر قول نصرالله نافجی ، فضل پیش از رسیدن به سن چهل ، بر اسرار حروف مقطعه‌ی قرآن واقف گردید و در سن چهل در تبریز حق بر او تجلی نمود و اسرار و حقایق و مقامات پیامبران در نظرش کاملا عیان گشت . ولی بنا بر آنچه که در بسیاری از منابع حروفی آمده ، فضل در تبریز بسال ۷۸۸ هجری قمری اندیشه‌های حروفی خویش را آشکار ساخته است ، یعنی در سن ۴۸ سالگی .

ظهور و پیدایی اندیشه‌های حروفی فضل در عصری صورت گرفت که تیمور و اعوان و عشیره‌اش بر سرزمین‌های اسلامی وسیعی حکم میراندند و اطاعت انفعالی و لاقیدی سیاسی ، تمامی اندام جامعه را فرا گرفته بود .

ظهور فضل ، پنج سال پس از سقوط آخرین حاکم سربدار (علی بن مؤید) بود .

چنانکه میدانیم حاکمان سربدار با برخورداری از باورهای شیعی مردم ، و بیگانه ستیزی توده‌های محروم سالیان سال بر اریکه قدرت نشسته و با تکیه بر اسلامی سنتی از سال ۷۳۷ تا ۷۸۳ هجری قمری بر بخشی از خراسان حکومت کرده‌اند .

در مقایسه بین سربداریه و حروفیه ، نکته قابل ذکر آنکه : سربداریه جنبشی است که اگر چه در مبارزه با مغول و اشغالگران بیگانه ، حمایت توده‌ای وسیعی را به‌مراه دارد ، ولیکن ریشه‌های ایدئولوژیکی آن از پویایی لازم برخوردار نیست و آنرا میتسوان در کنار شواهد مسلم تاریخی ، نبود عنصر روشنفکری در میان این جنبش قلمداد نمود . بر همین اساس است که می‌بینیم این جنبش ، هیچ

فرهنگی را نمی‌آفریند و هیچ گونه خلاقیت و آفرینشی را بدست نمی‌دهد . (۴)

ولیکن در جنبش حروفی ، بنا بر وجود دیدگاه‌هایی بس‌مترقی شاهد جذب روشنفکران بیشماری به درون این جنبش هستیم ، بگونه‌ای که در اندک زمانی کوتاه شاعران و نویسندگان و دانشمندان برجسته‌ای از درون آن برمی‌خیزند و خالق دهها اثر حروفی می‌شوند . و هم در این جنبش است که می‌بینیم روشنفکران آن علیرغم فشار و خفقان و کشتار تا آنسوی مرزها راه می‌گسترند ، و در پهنه‌ی تاریخ نقش جاودان خود را حکاکی می‌کنند .

و بالاخره اگر در جنبش سربداری هیچ جایگاه و منزلتی برای زنان در نظر گرفته نشده ، و حتی نقش يك زن را در کوچکترین عرصه‌ی اجتماعی آن سراغ نداریم ، در مقابل ، در جنبش حروفی نقش فعال بانو کلمة الله هی العلیا را شاهدیم که تا مقام وصایت و جانشینی فضل فرا رفته است . (۵)

به سخن خویش بازگردیم ، فضل‌الله نعیمی آئین خویش را بگونه‌ای بنیاد نهاد که نه در خوش آمدِ حاکمان تیموری بود و نه در پسندِ عالمان دین .

وی آیات قرآنی را با معانی‌ای تازه تفسیر نموده ، اساس تفسیرهای خویش را نیز بر اصالت حروف نهاد .

فضل الله را عقیده بر این بود که کلمه مهمتر از آن است که فقط وسیله‌ای برای آدمیان و ابزاری برای اراده‌ی خداوند به پیامبران بوده باشد . از اینرو بود که وی اهمیت کلمه را وجودی اعلام نمود .

وی همچنین کشف معانی واقعی کتابهای آسمانی و راه بردن در رموز گفتار پیامبران را ، در آشنایی با راز حروف دانست و در این

راستا بود که برای انسان مقام الوهیت قائل گردید .

فضل جهت اشاعه‌ی اندیشه‌های خویش گویا تیمور را نیز به آئین خویش فرا خوانده است .

سخاوی مؤلف کتاب "الضوء اللامع لاهل قرن التاسع" در

این خصوص چنین گزارش داده است :

"فضل الله بن ابی محمد تبریزی ، تیمور لنگ را به آئین خود

فرا خواند ، لیکن وی دستور قتل او را صادر کرد و امیرزاده (میرانشاه)

با دست خود او را گردن زد . " (۶)

ادوارد براون بنقل از کتاب "الانباء" ابن حجر عسقلانی

(متوفی ۸۵۲ هـ . ق) گوید :

" فضل الله پسر ابو محمد تبریزی ، یکی از مبدعینی است

که طریقه‌ی ریاضت نفسانی پیش گرفتند . و در اثر تعالیم ظلال

وی فرقه‌ای بظهور رسید که به حروفیه مشهور است . وی امیر تیمور

لنگ را به دین و عقیدت خود دعوت کرد ، لیکن امیر نپذیرفته امر

بقتل او داد . چون این خبر به امیر زاده میرانشاه که فضل الله

بنزد وی به تبریز پناه برده بود رسید ، بدست خود سر او را قطع

کرد " (۷)

هلموت ریتر نیز در اشاره به دعوت فضل از تیمور ، چنین

آورده است :

" محتلا فضل امیدوار بوده که امرای زمان را مجذوب تعالیم

خویش سازد . ابن حجر می‌نویسد که فضل تیمور را بقبول عقاید

خود دعوت نمود . البته در صحت و سقم این ادعای تردید آمیز

نمیتوان چیزی گفت ، ولی فضل در یکی از خوابهای خود تیمور را

می‌بیند که با او به نماز ایستاده است . (جاودان نامه نسخه چودی

a ۳۳۵ ، فهرست براون ص ۸۵ ، واژه نامه ص ۱۹۴) " (۸)

سعید نفیسی نیز چنین یاد کرده است :

" فضل الله استرآبادی [. . .] همان مؤسس معروف طریقه‌ی

حروفی در دین شیعه است که در سال ۷۴۰ در استرآباد بجهت

آمد و در آغاز پیرو طریقه‌ی قرمطیان بود و سپس بسه تقلید از

اسمعیلیه از حساب جمل و ارزش عددی حروف ابجد خواصی بیرون

آورد و چهار حرف مخصوص زبان فارسی (پ ، چ ، ژ ، گ) را نیز بر

آن افزود و عقاید خاصی از آن استخراج کرد و بهمین جهت طریقه‌ی

خود را حروفی نام نهاد . ناچار متشرعان و مخصوصا حنفیان که در

آن زمان در ایران فراوان بودند بر او برخاستند و چون بشروان در

سرزمین اراک گریخت ، بدستور میرانشاه پسر تیمور وی را گرفتند و

در ۷۹۶ در آنجا کشتند . " (۹)

اندیشه‌ی فضل اندیشه‌ای است شیعی و ریشه خورده در

عرفانی اسلامی ، با آداب و سنن و رسومی خاص ، ولی نه در شکل و

قالب اوراد و اذکار و بریدگی از خلق . و عاقبت نیز ناپیوندی عمیق

آراء و نظرات فضل با عالمان رسمی دین ، یعنی همانانی که با

رشوهای اندک کار فرو بسته‌ی حکام را باز و جمود دینی را بر مردم

محترم می‌شمردند ، راه تا بدانجا برد که علما و فقها در مشاوره با

تیمور حکم در ارتدادش راندند .

در زمان صدور حکم ، فضل در شیروان می‌زیست ، و چون فتوای

ارتداد او صادر گشت ، توسط میرانشاه پسر تیمور دستگیر و به زندان

گرفتار آمد و چندی بعد در روز اول ذیقعدی سال ۷۹۶ هجری قمری

به قلعه‌ی شهر قدیمی النجق واقع در نزدیکی نخجوان برده شد و

آنگاه در جمعه ششم ذیقعدی همان سال (۷۹۶ هـ . ق) بقتل

رسید .

عماد الدین نسیمی شاگرد فضل در غزلی سال ، ماه ، و روز

قتل مراد و محبوبش فضل را یاد آورده ، این غزل :

شرق و غرب از فتنه یاجوج چون شد پر فساد
تا و میم و واو و را (۱۰) قد کان جبارا عنید (۱۱)
تا که از لطف الهی هادی انس و ملک
آنکه مثلش کس ندیده هم نخواهد نیز دید
چون بظلم از ملک شروانش طلب کردند و رفت
بر در آیینجه بودن نطفه‌ی شرّ یزید
مستحق لعنت حق ، مشرک و ملعون و سگ
آنکه نامش بود مارانشاه (۱۲) ، شیطان را مرید
مدت از تاریخ هجرت بود ذال و صاد و واو (۱۳)
قل کفی باللّه (۱۴) ، یعنی فضل یزدانی شهید
روز آدینسه که بُد عید مساکین از قضا
سادس ماهی که خوانندش به تازی ذوالقعد (۱۵)

در اینجا لازم است تا وصیت نامه‌ی فضل‌الله نعیمی را که وی
بر روی ورق کاغذی نوشته ، و در لابلای کتاب محبت نامه‌ی الهی
(۱۶) نهاده ، و ادوارد براون در برگ ۲۴ نسخه‌ی خطی موزه‌ی
بریتانیا Pl. 6,380 آنرا بدست آورده ، از پی بیاوریم :

وصیت نامه

سواد خط مبارک ح ف ج ه [یعنی حضرت فضل جَلّ شأنه]
(۱۷) ، بر قطعه کاغذ نوشته در میان اوراق محبت نامه الهی
بود . قطع ،

یک دل از شوق سخنها دارم قاصدی
نیست که در پیش تو تقریر کند . خدا بر
حال این فقیر گواه است که بغیر از تفرقه
اطفال و مفارقت اصحاب هیچ نگرانی
نمانده است . مسئله‌ای چند که نگران
بودم تسلیم آن عزیز و آن عزیزان کرده
است . اگر حق تعالی به جمیع نیک خواسته
باشد برسد ، باقی تا چه خواهد بود .
یا رب ، یا رب شبهای من .

در همه عمرم مرا یک دوست در شروان نبود
دوست کی بودی ، کجا ، ای کاش بودی آشنا
من حسین وقت و نا آهلان یزید و شمر من
روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا (۱۸)

بر آن عزیز و آن عزیزان پوشیده نیست
که این فقیر را از جهت دین نگرانی نمانده
است . سلام و دعای ما درین آخر به اصحاب
و یاران و دوستان برسانند و نوع سازند که
این قاعده‌ها و این ابیات و این حقایق به
ایشان برسد . روز چند بگوشه [ای]
نا شناخت فروکش کنند و آنرا ضبط بکنند
و این آئین نو است . آن فرزندان و اماندگان
و آزادگان را از ما بپرسند ، والسلام . (۱۹)

پس از کشته شدن فضل ، پیروان او در کنار تألیف دهها اثر

حروفی ، دست به مهاجرت‌های تبلیغاتی زده ، در سراسر آذربایجان ایران ، ترکیه (عثمانی) پراکنده شده ، تا سرزمین هند جهت گسترش اندیشه‌های حروفی راه سپردند . (۲۰)
آنان همچنین چندین تحرك و قیام اجتماعی را رهبری نمودند که از آنجمله‌اند :

۱ - ترور شاهرخ پسر تیمور در روز جمعه ۲۳ جمادی‌الثانی سال ۸۳۰ هجری قمری . (۲۱)
۲ - قیام حاجی سرخ با جمعی از حروفیان در اصفهان ، بسال ۸۳۵ هجری قمری .

حسن روملو ذیل وقایع سال ۸۳۴ گوید :

" و در این سال حاجی سرخ با جمعی از مریدان فضل‌الله استرآبادی در اصفهان خروج کرده ، دو پسر عبدالصمد را بکشتند . مردمان قلعه با ایشان محاربه کرده ، ایشان را گرفته ، حاجی سرخ را پوست کنند . " (۲۲)

۳ - و بالاخره آخرین قیامی که از حروفیان به ثبت رسیده ، قیام بانو کلمه‌الله هی‌العلیا دختر فضل‌الله نعیمی است . و ما در بخش سوم از آن سخن خواهیم گفت .

میراث فکری و ادبی فضل

از فضل‌الله نعیمی ، کتابهایی چون جاودان نامسه ، محبت نامه ، نوم نامه ، عرش نامه ، و دیوان اشعار بجا مانده است . اساسی‌ترین کتاب فضل ، کتاب " جاودان نامه " است وی این کتاب را بزبان (لهجه) استرآبادی نگاشته ، و در آن به توفیح و تشریح آئین خویش که همانا اشعابی است از مذهب شیعیسی همت

گمارده است . فضل در این کتاب ، حروف را الهی ، جهان را قدیم و خلقت را مکرر دانسته ، و در اعتقاد به وحدت وجود ، آدمی را در الوهیت دیده است .

کتاب " نوم نامه " نیز که بزبان (لهجه) استرآبادی نگاشته شده ، شامل رؤیاهای و خواب‌هایی است که فضل خود دیده و بسیاری از آنها را با ذکر تاریخ ثبت نموده است . قدیمی‌ترین این خوابها بسال ۷۶۵ و آخرین آن بسال ۷۹۶ (سال کشته شدن فضل) روی داده است .

از فضل کتابهای دیگری نیز بر جای مانده که از آنجمله است دیوان اشعار وی . دیوان اشعار فضل مورد توجه محققین واقسع نگردیده و از آن کمتر یاد شده است .

در خصوص دیوان نعیمی بایستی گفت ، از جمله ویژگی‌های آن ، عاری بودن اشعار از مدح و ثنای این و آن است .

شعر نعیمی اگر چه حلاوت و زیبایی اشعار شاعران بزرگ پارسی گوی را ندارد ، ولیکن زیبایی آنرا بایستی در نهفتگی اندیشه‌های حروفی آن جستجو نمود . اندیشه‌ای که نه تنها با مرگ نعیمی پایان نگرفت ، بلکه بالندگی گرفت و در پهنه‌ی وسیعی از شرق راه گسترده . و در این راستا اگر چه نمیتوان بطور کامل از دیوان وی راه در اندیشه‌های وی گشود ، و اگر چه نمیتوان چونان دیگر شاعران ارج و منزلتش را با اشعارش محك زد ، اما میتوان با خود نجوا کرد که این نغمه‌ها و سرودهای مردی است که اندیشمندانه‌ترین بدعت دینی را در عصر خویش بنیاد گذارده است . در آثار نعیمی ، روح انسان و بقای آن ، مبارزه با نفس ، انی انا الله گوئی ، و وجود را در وحدت دیدن ، رحمت خداوندی ، و مهمتر از همه از حروف که میانی اندیشه‌ی فضل بر آن استوار است سخن بمیان آمده است .

اعتقاد حروفیان به مهدی آخرین امام شیعی

در این مجال بر آن نیستیم تا در خصوص آراء و عقاید حروفیان سخن بگوئیم ، ولیکن لازم میدانیم تا آنچه را که موجب این برداشت غلط گردیده که ، حروفیان آخرین امام خود را فضل میدانند ، ذکر نمائیم .

سر منشأ این برداشت غلط که مناسفانه در بسیاری از کتب نیز راه یافته ، قول کلمان هوارت است . وی با استناد به کتاب " محرم نامه " و دخل و تصرفی اندک موجب چنین برداشتی گردیده است . هوارت گوید :

" بنا بکتاب محرم نامه [. . .] محمد بن عبد الله آخرین پیغمبران و خاتم انبیاء بوده و بعد از او نوبت باولیا میرسد که عبارتند از ائمه از علی بن ابیطالب تا حسن عسکری امام یازدهمین فضل الله استرآبادی خود خاتم اولیا و آخرین آن مظاهر است ولیکن خود را سر آغاز دوری جدید و مظهر الوهیت میداند . " (۲۳)

اضافه کردن عبارت " تا حسن عسکری امام یازدهمین " که در متن محرم نامه وجود ندارد ، این استنباط را موجب گردیده است و حال آنکه مؤلف محرم نامه آنجا که خواسته است از مقام جانشینی کلمة الله هی العلیا دختر فضل سخن بگوید ، در مقام مقایسه برآمده گفته است :

" همانگونه که خاتم انبیاء هم صاحب نبوت و هم صاحب ولایت است و نبوت بوجود او ختم میشود ، و ولایت و جانشینی او را علی حائز میگردد ، همانگونه نیز خاتم اولیا (فضل) هم صاحب ولایت و هم مظهر الوهیت است ، و ولایت به وجودش ختم میشود .

از اینرو مقام جانشینی او فقط مظهری از الوهیت است و اولین وصی و قائم مقام او نیز کلمة الله هی العلیاست . " (۲۵)

آنچه را که خوانندیم ، فقط مقایسه است و بس ، و دلیل این مدعا آنکه در صفحات بعدی محرم نامه (۲۶) از مهدی منتظر که روزی با قیام خود قسط و عدل را برقرار ساخته ، ظلم را نابود خواهد ساخت ، سخن آمده است .

اشکال از آنجا ناشی گردیده که کلمان هوارت جملات " ولایت " و " خاتم اولیا " و " صاحب ولایت " را که در این عبارت آمده و بار عرفانی دارد نتوانسته است درک کند . و این نیز بجهت نا آشنائی یا کم اطلاعی وی از عرفان اسلامی است زیرا در عرفان اسلامی ، ولایت " عبارت از قیام عبد است بحق در مقام فنا از نفس خود و آن بر دو قسم است ولایت عامه که مشترک است میان تمام مؤمنان ، و ولایت خاصه که مخصوص است به واصلان از ارباب سلوک که عبارت از فناء عبد است در حق و بقاء اوست به حق " (۲۷) در اینجا فضل با نظرگاهی عرفانی خاتم ولایت خاصه خوانده شده ، و نه خاتم امامان شیعی . در محرم نامه خاتم اولیا بمعنای خاتم امامان نیست ، بلکه بمعنای خاتم اولیائی است که اهل عرفان بدان باور دارند و چنانکه گفتیم از همین روست که می بینیم در صفحات بعدی کتاب از قیام مهدی سخن می آید .

در محرم نامه پیامبر ختم اول ، و فضل ختم ثانی خوانده شده است . پیامبر خاتم انبیاء و فضل خاتم اولیا نامیده شده است ، و این بدان معناست که فضل خاتم اولیائی است که از پیش از اسمعیلیه بدین سوا از اسرار حروف سخن گفته اند .

همچنین بایستی بگوئیم تا کنون در هیچ يك از کتابهای فضل دیده نشده که وی خود را با لقبهائی چون " ختم ثانی " و

"خاتم اولیاء" و القابی از این ردیف خوانده باشد. این القاب و تعابیر، تعابیری است که پس از وی پدید آمده است.

نکته دیگر آنکه پدید آمدن چنین القابی، میتواند نوعی رویارویی حروفیان با اندیشه‌های محمود پسیخانی (بنیادگذار اندیشه نقطوی) بوده باشد، زیرا چنانکه میدانیم وی از شاگردان فضل بوده و بر اثر داشتن برخی آراء و نظرات، مطرود فضل واقع میگردد. وی چهار سال پس از کشته شدن فضل یعنی در سال ۸۰۰ هـ. ق با استفاده از خلاء حاصله از کشته شدن فضل، ظهور نموده به بسط و گسترش آئین فکری خویش می‌پردازد. در اندیشه‌ی وی نقطه یعنی ذرات از اهمیت خاصی برخوردارند.

میتوان احتمال داد علی‌الاعلی که یکی از پیشوایان بنام حرفوی است بیت ذیل را در رویارویی با ظهور محمود پسیخانی گفته باشد:

"هیچکس زین پس نخواهد آمدن

جز بفرمان بردن و پیرو شدن" (۲۸)

نقل قول مخدوش آقای هوارت که سر منشاء بسیاری از برداشت‌های غلط گردیده، در آثار بسیاری از نویسندگان انعکاس یافته (۲۹)، و در مواردی نیز سبب تناقض گفتاری آنان گردیده است. در این خصوص بایستی از نویسنده "اسلام در ایران" یاد کرد.

پطروشفسکی نویسنده "اسلام در ایران" با استفاده از ترجمه فرانسوی مجموعه رسائل حرفویه که توسط کلمان هوارت صورت گرفته و ملاحظات و حواشی وی را نیز در بر دارد، آنجا که از اصول و مبادی معتقدات حروفیان سخن می‌گوید چنین می‌آورد:

"اصول و مبادی معتقدات حروفیون در محرم نامه و دیگر

رسالات آن فرقه بیان شده است، و بنا بر آن کاینات الی‌الابد موجود است [۰۰۰] آخرین پیامبران محمد و نخستین کس از اولیاءالله علی، و آخرین نفر ایشان امام حسن عسکری امام یازدهم شیعه بوده است." (۳۰)

سپس در پاورقی چنین می‌گوید: "حروفیون امام دوازدهم محمد را قبول نداشتند." (۳۱) وی آنگاه دچار تناقض گردیده و پس از سطوری چند چنین می‌گوید:

"در محرم نامه سابق‌الذکر چنین گفته شده است: از دیر باز تا امروز آنان (حروفیون) چشم به راه قائم ائمه هستند که در حدیث نام دیگری هم برای وی آمده و مهدیش خوانده‌اند و آنها می‌گویند که او صاحب سیف است و در باره‌ی وی این حدیث آمده است: (یظهر فی آخر الزمان احد اولادی، اسمہ اسمی و خلقه خلقی، یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا) یعنی: در آخر الزمان یکی از فرزندان من ظهور خواهد کرد که نامش نام من و خلقش خلق من است و زمین را به داد می‌آکند چنانکه اکنون به ظلم و جور آکنده است. آنان معتقدند که وی با شمشیر ظلم را که تجاوز برخی از آدمیان به حقوق برخی دیگر است بر می‌اندازد." (۳۲)

همچنین لازم بتذکر است، برخی از نویسندگان مظهر الوهیت را که حروفیان آنرا مرتبه‌ای پس از ولایت میدانند، دلیلی بر دعوی خدائی کردن فضل دانسته‌اند. از آنجمله است هلموت ریتز که گوید: "پیروان فضل او را خدا دانستند و آثارش خاصه جاودان نامه و محبت نامه و عرش نامه را الهی شمردند." (۳۳)

این نظر، نظری مردود است زیرا نه فضل خود را خدا دانسته و نه پیروان وی او را چنان باور کرده‌اند.

مظهر الوهیت دانستن ریشه در وحدت وجود دارد و انا الحق گوئی در عرفان اسلامی نمودی از آن است. نکته دیگر آنکه امروزه

نیز با مضمونی نزدیک به مظهر الوهیت مواجهیم که جدیدالابداع نیست و آن "آیه‌الله" است . چنانکه میدانیم به عالمان بزرگ شیعی آیه‌الله گفته میشود یعنی نشانه‌ای از خدا ، و این همان است که حروفیان نیز آنرا مظهر الوهیت می‌گفته‌اند .

جانشینان فضل

برخی از منابع متذکر این نکته گردیده‌اند که فضل ۹ خلیفه برای خویش تعیین کرده بود که چهار تن از آنها محرم اسرار بودند .

محمد علی تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان ، این چهار تن را چنین ذکر نموده است :

"محرم خلوت سرای همدمی مجد و محمود و کمال هاشمی
بوالحسن دان چار او را بازباب چون وصیت کرد گفت اینک کتاب" (۲۴)

۱ - مجد (مجدالدین) ، از وی در قدیم ترین ماخذ یعنی کتاب "نومنامه" یاد شده است . (۳۵)

همچنین امیر غیاث الدین مولف کتاب "استوانامه" بر یکی از آراء مجد در باب آغاز کتاب "جاودان نامه" خرده گرفته است و این نشان آن است که مجد در متن جنبش حروفی رکنی رکین بوده است .

همچنین محتمل است که مجد داماد فضل نیز بوده باشد . یعقوب آژند با استناد به کتاب "زبدة التواریخ" و کتاب "مطلع

سعدین و مجمع بحرین" گوید :

"مولانا مجدالدین استرآبادی گویا داماد سید فضل‌الله بوده و دختر او را به زنی داشته و خواجه عضدالدین (۳۶) فرزند آنها بوده است" (۳۷)

۲ - محمود ، احتمال ضعیف می‌رود وی همان محمود پسیخانی معروف (بنیاد گذار اندیشه‌ی نَقَطَوی) باشد . وی در سال ۸۰۰ هـ . ق ، یعنی چهار سال پس از کشته شدن فضل اندیشه‌ی نقطوی را پدید آورد . محمود پسیخانی از پیروان فضل‌الله نعیمی بود . گویا فضل او را از برای خود پسندی وی طرد کرد و از آن پس به محمود مطرود و گاهی نیز مردود اشتهار یافت . (۳۸)

۳ - کمال هاشمی ، هلموت ریتر احتمال آن داده است که وی درویش کمال الدین باشد که در نومنامه‌ی فضل از وی یاد شده ، و فضل را به مهاجرت عراق می‌خوانده است (۳۹) . ولیکن راقم این سطور احتمال آن میدهد که وی همان عمادالدین نسیمی مشهور باشد چرا که وی مدتی نیز اشعار خویش را با تخلص هاشمی می‌سروده است . (۴۰)

۴ - ابوالحسن ، ابوالحسن علی الاعلی یکی از پیشوایان بنام حروفی است . وی پس از شهادت فضل به ترکیه رفته و با پنهان کاری و در اختفا نگاه داشتن اندیشه‌ی حروفی خویش ، به بسط و گسترش اندیشه حروفی در میان بکناشیان پرداخته است .

بقول هلموت ریتر : "علی‌الاعلی بدون شك اجل پیروان اولیه فضل بوده است و شاگردش غیاث الدین [مولف کتاب استوا نامه] او را پس از فضل اهم صاحب نظران در مسائل مربوط

خانواده فضل

تا بدانجائی که معلوم گردیده ، فضل الله نعیمی دارای چندین فرزند بوده ، که از آنجمله‌اند ، سه پسر به اسامی :

۱ - امیر نور الله ، وی مدتی در قلعه‌ی بتلیس زندانی و گویا سپس به شهادت رسیده است ، زیرا نام وی با القابی چون افضل الشهداء و سرور الشهداء قرین است .

۲ - امیر کلام الله

۳ - امیر سلام الله (این دو تن در طاعون سال ۸۲۰ و یا شاید ۸۲۶ هجری قمری در گذشته‌اند .)

و نیز سه دختر به اسامی :

۱ - بی بی ام‌الکتاب

۲ - بی بی فاتحه‌الکتاب (این دو تن نیز چون دو برادر خویش در طاعون سال ۸۲۰ و یا ۸۲۶ ه . ق وفات یافته‌اند .)

دکتر صادق کیا گوید :

" غیث الدین محمد در استوا نامه از دو پسر فضل به نامهای امیر سلام الله ، و امیر کلام الله و دوزن (یا دو دختر) او به نامهای بی‌بی فاتحه‌الکتاب و بی‌بی ام‌الکتاب یاد میکند و می‌نویسد که هر چهار با خدمتکاران خویش در سال ۸۲۶ به بیماری طاعون

لازم بتوضیح است هلموت ریتر به نقل از استوا نامه نسخه خطی واتیکان ، درگذشت فرزندان فضل را به بیماری طاعون و به سال ۸۲۰ ذکر کرده است . (۴۳)

صادق کیا در ادامه آنچه که از وی آوردیم در پاورقی گوید :
" نویسنده‌ی استوا نامه فقط نام این چهار تن را یاد کرده و ننوشته است که ایشان چه کسانی هستند ولی از روش سخن گفتن او از ایشان و از داستانی که در آن نام ایشان را برده و نیز از اینکه نام ایشان را با واژه حضرت آورده ، بیگمان میتوان گفت که ایشان پسران و زنان (یا دختران) فضل‌اند . بویژه که خود فضل در نوم نامه یکی از فرزندان خویش را بنام سلام‌الله یاد کرده است . " (۴۴)

۳ - کلمة الله هی العلیا ، وی در سال ۸۴۵ هجری قمری به شهادت رسیده است .

از میان فرزندان فضل الله نعیمی آنکه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیازمند تحقیقی همه جانبه ، دختر او موسوم به کلمة الله هی العلیا است . در بخش سوم این کتاب فرازی از زندگی و شخصیت اجتماعی وی را بیان خواهیم داشت .

لازم به تذکر است در کتاب قیامت نامه علی‌الاعلی موردی هست که از فردی بنام آزاده یاد شده است . برخی وی را با اتکا به آنچه که بعدها در حاشیه کتاب قیامت نامه نوشته شده ، دختر فضل و همسر علی‌الاعلی دانسته‌اند . (۴۵)

به نظر راقم این سطور این بعید به نظر میرسد ، چرا که اولاً فرزندان فضل تماماً اسامی حروفی داشته‌اند و این نام در میان اسامی دیگر دور از ذهن مینماید و ثانیاً ، بنا بر شمارش حروف ابجد

نام آزاده برابر است با ۸۱۴ که سال مرگ آزاده نیز در قیامت نامه
۸۱۴ ذکر شده است . از اینرو از نظر مولف وجود چنین دختری
مورد تردید است .

پانویس های بخش نخست

۱ - هلموت ریتر ، اسلام شناس مشهور آلمانی است که در بیست و هفتم
فوریه ۱۸۹۲ متولد و بتاريخ نوزدهم ماه می ۱۹۷۱ درگذشته است .
وی به ادبیات عربی ، فارسی و ترکی وقوف عالمانه داشت و سالیانی را
نیز در ترکیه به تدریس ، تحقیق و تجسس در نسخ خطی پرداخته بود . از وی
کتاب و مقالات سودمندی بجای مانده ، همچنین تعدادی از منابع فارسی و
عربی به کوشش وی منتشر شده است .

۲ - رك : آغاز فرقه حروفیه ، هلموت ریتر ، ترجمه حشمت مؤید ، صفحه
۲۱ - ۳۴ ، این کتاب پیشتر در نشریه ایران زمین ، چاپ تهران (سال ۱۳۴۸)
بطبع رسیده است .

۳ - پیشین ، ص ۳۲

۴ - اگر از ابن بزمین و یکی دو شاعر دیگر سربدار که به فراخور روزگار
مداح سلطانی بوده اند بگذریم ، بایستی بگوئیم سربداران علیرغم نزدیک به
نیم قرن حکومت ، هیچ اثری (کتابی) که بتوان آنرا اثری سربداری نام نهاد
از خود بر جای نگذارده اند .

ناگزیر از بیان این مطلب هستیم که یکی از امهات کتب فقهی
حوزه های دینی یعنی کتاب " لمعه " به سربداران تقدیم شده است .

۵- رك : محرم نامه ، سيد اسحق . اين كتاب در مجموعه‌اي تحت عنوان (مجموعه رسائل حروفيه) بكوشش گلستان هوارت منتشر شده است .

۶- رك : الفوه اللامع لاهل قرن التاسع ، تاليف سخاوي . جلد ششم ، صفحه ۱۷۳ ، بنقل از : حروفيان و بيداد تيسوري ، يعقوب آژند (كيهان فرهنگي ، سال ششم ، شماره ۱ ، ص ۵۴)

۷- تاريخ ادبي ايران (از سعدي تا جامي) ادوارد براون ، ترجمه : علي اصغر حكمت . ص ۵۱۰- ۵۱۱

۸- آغاز فرقه حروفيه ، ص ۳۹

۹- رك : مقدمه سعيد نفيسي بر (كليات قاسم انوار) صفحه هشتاد و هشت ، و هشتاد و نه .

۱۰- تا و ميم و را (تمور) = اشاره به تيمور است .

۱۱- رك : سوره ۱۱ ، آيه ۵۹ ، و سوره ۱۴ ، آيه ۱۵

۱۲- حروفيان پس از قتل پيشوايشان فضل كه بدست ميرانشاه (پرتيمور) صورت گرفت ، نام وي را مارانشاه ، و دجال گذاردند و در ادبيات پهنآوري كه ايجاد نمودند وي را پيوسته با اين دو نام ياد نمودند .

۱۳- ذال در شمارش ابجد برابر است با ۷۰۰ ، صاد ۹۰ ، واو ۶ = (۷۹۶) ،

واين برابر است با سال گذشته شدن فضل الله نعيبي .

۱۴- اشاره است به سوره يونس ، آيه ۲۹

۱۵- رك : نسخه خطي ديوان نسيمي ، موجود در دانشگاه تهران . به نقل از مقدمه غلامحسين بيگدلي بر ديوان عمادالدين نسيمي ، ص ۱۲ - ۱۳
اين غزل در ديوان نسيمي ، با تصحيح حميد محمد زاده (چاپ باكو ، و همچنين در ديوان نسيمي با تصحيح رستم علي اوف ديده نشد . وليكن اين غزل در ديوان نعيبي كه به اهتمام و تصحيح پروفيسور رستم علي اوف بطبع رسيده ، بنام نعيبي ثبت گرديده ، و بي‌گمان اين غزل به اشتباه در نسخه‌اي كه رستم علي اوف در دست داشته راه يافته است . زيرا اولاً از تاريخ و شهادت فضل سخن مي‌گويد و ثانياً اين غزل در نسخه‌ي خطي ديوان نسيمي كه در كتابخانه دانشگاه تهران موجود است ، بنام نسيمي آمده است .

۱۶- محبت نامه الهي از جمله كتابهاي فضل الله نعيبي است .

۱۷- حروفيان نام فضل را باختمار چنين مي‌آورده‌اند .

۱۸- اشاره است به " كل يوم عاشورا و كل ارض كربلا "

۱۹- رك : فرهنگ ايران زمين ، ج ۲۶ ، ص ۲۱۲ - ۲۱۳

۲۰- " نخستين بدعت مهديگري كه در تاريخ هند اسلامي ثبت شده ، متعلق به ركن است كه در قرن هشتم ه . ق / چهاردهم ميلادي ، ادعاي مهديت كرد و به نظر ميرسد برخي از عقايد عوام پسند و منسوب به حروفيه داشته است . وي در خلال عصر فرمانفرمايي فيروز تغلق به خاطر ارتدادش

اعدام گردید . " (رك : تاريخ تفكر اسلامى در هند ، عزيز احمد ، ص ۴۱)

۲۱ - در بخش آتی بمناسبت از آن سخن خواهیم گفت .

۲۲ - احسن التواريخ ، حسن روملو ، ص ۲۰۲

۲۳ - رك : تاريخ ادبى ايران (از سعدى تا جامى) ، پاورقى ص ۵۰۶

۲۴ - كتاب محرم نامه در كويش استرآبادى نوشته شده ، از اينروى نقل قولهاى را كه از اين كتاب خواهيم آورد تحرير مجدد خواهد بود و نص نوشتارى نيست .

۲۵ - رك : محرم نامه ، ص ۲۲

۲۶ - پيشين ، ص ۳۹ - ۴۰

۲۷ - رك : فرهنگ معارف اسلامى ، جعفر سجادى ، ج ۳ ، ص ۲۱۶۲

۲۸ - رك : واژه نامه گرگانى ، دكتور صادق كيا ، ص ۲۹۷

۲۹ - از جمله رجوع كنيد به كتابهاى ذيل :

تاريخ ادبى ايران (از سعدى تا جامى ، ص ۵۰۶

تاريخ تبريز ، محمد جواد مشكور ، ص ۶۹۲

كوى سرخاب تبريز ، ضياءالدين سجادى ، ص ۶۴ - ۶۵

۳۰ - اسلام در ايران ، پطروشفسكى ، ص ۳۲۳

۳۱ - پيشين ، ص ۳۲۳

۳۲ - پيشين ، ص ۳۲۳ - ۳۲۴

۳۳ - آغاز فرقه حروفيه ، ص ۱۰

۳۴ - دانشمندان آذربايجان ، ص ۳۸۷

۳۵ - رك : آغاز فرقه حروفيه ، ص ۵۵

۳۶ - رك : زبدةالتواريخ بايسنغرى ، تاليف حافظ ابرو ، و مطلع سعدين و مجمع بحرين ، تاليف عبدالرزاق سمرقندى ، ص ۵۸۸ ، بنقل از : حروفيان و بيداد تيمورى ، يعقوب آژند (كيهان فرهنگى ، س ۱ . ش ۱ ، ص ۵۵)

۳۷ - پيشين .

۳۸ - جهت اطلاعات بيشتر در خصوص محمود پسيخانى و نقطويان به كتاب " نقطويان يا پسيخانيان " تاليف دكتور صادق كيا مراجعه شود .

۳۹ - رك : آغاز فرقه حروفيه ، ص ۵۶

۴۰ - عمادالدين نسيمى يكي از بزرگترين شاعران حروفى است . و بنا بر برخى از روايات با يكي از دختران فضل نيز ازدواج کرده است . وى در سال ۷۷۱ هجرى قمرى متولد و بسال ۸۲۰ هـ . ق بنا بر داشتن اندیشه‌هاى حروفى ، مطابق فتواى فقيهان دولتى آن عصر به مرگ محكوم گردید . آقاى جعفر سلطان القرائى از بياضى كوچكى كه از تاليفات حافظ حسين كربلايى است و در اختيار اوست خبر داده است . در اين بياض كشته شدن نسيمى بسال ۸۳۷ ذكر كرده : " قتل امير سيد عمادالدين بيضاوى متخلص به نسيمى فى محروسة حلب سنه سبع و ثلاثين و ثمانمائه " (رك : روفاات

الجنان حافظ حسين كريلائى، بتصحيح : جعفر سلطان القرائى، پاورقى ص ۴۷۸)

۴۱ - آغاز فرقه حروفیه ، ص ۵۶

۴۲ - واژه نامه گرگانی ، ص ۲۸۳ - ۲۸۴

۴۳ - رك : آغاز فرقه حروفیه ، ص ۵۴

۴۴ - واژه نامه کرگانی ، ص ۲۸۴

۴۵ - رك : آغاز فرقه حروفیه ، ص ۵۲ - ۵۴

بخش دوم :

"حروفیان پس از فضل"

حروفیان پس از فصل

پس از کشته شدن فصل بسال ۷۹۶ هجری قمری ، بخشی از حروفیان بنا بر فشارها و ایذاء و اذیت‌های وارده ، راه در مهاجرت- های دسته جمعی به آسیای صغیر و ترکیه گشوده ، و با پنهان‌کاری دقیق به بسط و گسترش اندیشه‌های حروفی در میان فرق اهل تصوف و بالاخص نفوذ در میان بکتاشیان پرداختند .

در این میان بخش دیگری از حروفیان نیز که علیرغم آزار و اذیت‌های وارده ، بقای در وطن را بر جلای از وطن ترجیح داده بودند ، بجهت حفظ آرمانهای حروفی خویش ، ناگزیز از تقیه گردیده ، آرام آرام به درون خزیدند و در انتظار شرایط مساعدتری به پرورش نیروهای خویش پرداختند .

مرگ تیمور (۸۰۷ هـ . ق) :

چنانکه میدانیم تیمور در هفدهم شعبان ۸۰۷ هجری قمری ، یعنی نزدیک به یازده سال پس از شهادت فضل درگذشت . مرگ وی موجب پدید آمدن تشنجات بزرگی در سراسر دولت تیموری و نیز پیدایش جنگهایی میان میراث خوارانش گردید .

تیمور نوهی خود پیر محمد را که فرزند جهانگیر پسر ارشد و متوفایش بود به جانشینی برگزید ولیکن حکومتگران تیموری وی را لایق ندیده ، خلیل سلطان نوهی دیگر وی را بر اریکهی سلطنت نشانند . اما این انتخاب ، منازعاتی را که بر سر قدرت در گرفته بود فرو نشاناند و در نهایت به سلطنت ۴۳ ساله‌ی شاهرخ پسر تیمور انجامید .

از جمله وقایع پس از مرگ تیمور ، یکی قیام مجدد سربداران سبزوار ، و دیگری کشته شدن میرانشاه قاتل فضل در جنگ با قرا قویونلو است که هر دو در سال ۸۰۹ هجری قمری اتفاق افتاد .

کشته شدن میرانشاه پسر تیمور (۸۰۹ یا ۸۱۰ هـ . ق)

پیش از ورود در این مبحث ، این نکته را بایستی متذکر گردیم که میرانشاه در جنگ با قرا یوسف که بعدها سلسله‌ی قرا قویونلو را پدید آورد کشته شد . کشته شدن میرانشاه را برخی ۸۰۹ و برخی نیز ۸۱۰ دانسته‌اند .

قرا یوسف پیش از تاسیس سلسله‌ی قرا قویونلو ، از جمله

امرای دستگاه سلطان احمد بن اویس جلایری بود . وی در هنگام " حملات تیمور بر سلطان احمد جلایری پای از دایره‌ی اطاعت مخدوم بیرون نهاد و با او از در مخالفت و جدال در آمد و بر عراق عرب استیلا یافت ، لیکن دچار حملات مکرر میرزا ابابکر پسر میرانشاه و میرزا رستم پسر عمر شیخ گورکانی شد که از جانب نیای خود تیمور بسرکوبی او آمده بودند ، و بدین سبب مدتی در فرار بدرگاه سلطان ایلدرم بایزید عثمانی و دستگاه سلطان مصر و حتی در اسارت این سلطان اخیر بسر برد تا بعد از مرگ تیمور ، در تکاپوی باز یافتن متصرفات خود بازگشت و با فتح دیار بکر ، ساز و سامان کار را از سر گرفت و بسال ۸۰۹ با شکست دادن میرزا ابابکر در نخجوان بر ایالت آذربایجان مسلط گردید و یکسال بعد یعنی در سال ۸۱۰ بار دیگر با ابابکر و پدرش در افتاد و میرانشاه در جنگ با وی کشته شد . " (۱) کشته شدن میرانشاه موجب شادمانی عمیق حروفیان که وی را قاتل فضل میدانستند گردید زیرا وی مورد کینه‌ی بسیار سخت حروفیان بود و در کتب حروفی نیز نام وی مارانشاه و دجال آمده است .

ناگزیر از بیان این مطلب هستیم که در برخی از منابع حروفی به اشتباه سال کشته شدن میرانشاه ۸۰۳ آمده است (۲) که دلیل آن بطور واضح مشخص نیست و احتمال آن می‌رود که اعلام خبر کشته شدن میرانشاه در سال ۸۰۳ نوعی تبلیغات حروفی جهت بر هم ریختن نظم و سامان حاکمیت میرانشاهی بوده باشد .

شادمانی حروفیان از کشته شدن میرانشاه و طرفداری آنان از قرا یوسف :

ذکر این نکته ضرور می‌نماید که حروفیان و از جمله علی‌الاعلی